

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آناتولی کوشکین* (Anatoly KOSHKIN)
برگردان: ا.م. شبیری
۰۱ دسمبر ۲۰۲۳

تهران-۴۳،

چگونه ستالین چرچیل را به تصمیم گیری در باره "جبهه دوم" وادار کرد!



رهبر شوروی در کمال مهارت از منافع متحدان غربی برای کمک به اتحاد جماهیر شوروی در جنگ با جاپان استفاده کرد.

۸۰ سال پیش در کنفرانس تهران، رهبران سه قدرت بزرگ – فرانکلین روزولت، یوسف ستالین و وینستون چرچیل از ۲۸ نومبر تا اول دسمبر ۱۹۴۳، شکست المان و متحدان آن‌ها و همچنین حل و فصل مسائل صلح پس از جنگ را مورد بحث قرار دادند. برای هیأت اتحاد شوروی، وظیفه اصلی این بود که از قدرت‌های متفقین یک تعهد قطعی و نهائی برای گشایش "جبهه دوم" در اروپا حداکثر تا سال ۱۹۴۴ بگیرد. متحدان غربی سخنان ستالین را در مورد اهمیت مبارزه مسلحانه مشترک علیه المان نازی دقیقاً در جبهه اروپا به خاطر آوردند. امریکا و انگلیس به جای پیاده کردن نیروهای انگلیس-امریکائی در شمال فرانسه، در سال ۱۹۴۲، به عملیات تهاجمی در شمال آفریقا دست زدند. این عملیات اگرچه موقعیت المان را تا حدی پیچیده کرد، اما واقعاً مانع از تمرکز نیروهای اصلی آن در بخش جنوب غربی جبهه شوروی-

المان نشد. ستالین در ۶ نومبر ۱۹۴۲ با ابراز ناامیدی از سیاست های واشینگتن و لندن، در سخنرانی خود به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد انقلاب اکتوبر گفت:

"فرض کنیم که اگر جبهه دوم در اروپا همانطور که در جنگ جهانی اول باز شد، باز شود و جبهه دوم، مثلاً توجه ۶۰ لشکر المانی و ۲۰ لشکر از متحدان المان را به خود جلب کند، موقعیت نیروهای المانی در جبهه ما چگونه خواهد بود؟ تصور این که وضعیت آنها اسفناک خواهد بود، دشوار نیست. علاوه بر این، این به معنای آغازی بر پایان نیروهای نازی خواهد بود. زیرا، در این صورت ارتش سرخ در جایی که اکنون ایستاده، متوقف نمی‌شود، بلکه در جایی در نزدیکی پسکوف، مینسک، ژیتومیر، اودسا خواهد جنگید. این بدان معنی است که ارتش نازی در تابستان سال جاری با فاجعه خود مواجه خواهد شد. و اگر این اتفاق نیفتد، المانی‌ها به علت عدم گشایش جبهه دوم در اروپا نجات خواهند یافت."

با این حال، علی رغم موافقت رئیس جمهور روزولت با امکان گشودن "جبهه دوم" در اروپا در مذاکره با ویچاسلاو مولوتوف، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۲، به دلیل مخالفت چرچیل، این اتفاق در سال ۱۹۴۲ یا ۱۹۴۳ نیفتاد.

روزولت و دستیارانش در مذاکرات تهران وظیفه اصلی خود را ترغیب ستالین برای کمک به آنگلو ساکسون‌ها در جنگ علیه جاپان می‌دانستند. به طوری که رئیس جمهور امریکا و نخست وزیر انگلیس از همان زمان حمله جاپان به پرل هاربر، شخصاً از رهبر شوروی درخواست کمک کرده بودند.

اجلاس سران اتحاد شوروی، امریکا و انگلیس بعد از کنفرانس وزرای امور خارجه این سه کشور در مسکو (۳۰-۱۹ اکتوبر ۱۹۴۳) برگزار شد. در دستورکاری که ستاد مشترک ارتش امریکا برای مذاکرات تهیه کرده بود، به طور مشخص آمده بود: "مشارکت کامل روسیه در جنگ علیه جاپان پس از شکست المان برای شکست سریع و کوبنده جاپان با کمترین خسارت ممکن برای امریکا و انگلیس ضروری است."

مسئله احتمال مشارکت اتحاد شوروی در جنگ با جاپان از سوی **کوردل هال**، وزیر امور خارجه امریکا در مذاکره با ستالین که بلافاصله پس از کنفرانس مسکو در ۳۰ اکتوبر انجام شد، مطرح گردید. ستالین آمادگی خود را برای کمک به شکست جاپان پس از شکست المان اعلام کرد. هال با توصیف موضع ستالین در مورد مسئله خاور دور، به واشینگتن گزارش داد که رهبر دولت شوروی "علاقه‌مندی شدیدی برای همکاری با امریکا و انگلیس نشان داد". همانطور که هال در خاطرات خود نوشته است، ستالین این بیانات را "با اطمینان، کاملاً بی‌چشمداشت، بدون این که در مقابل آن چیزی بخواهد"، بیان کرد. وی در عین حال، سخنان رهبری شوروی را "بیانیه‌ای با اهمیت استثنائی" دانست.

با این حال، اشتباه نخواهد بود اگر باور کنیم که ستالین، با وعده کمک به شکست جاپان، روی عمل متقابل و گشودن سریع "جبهه دوم" در اروپا که تسلیم المان و در نتیجه، شکست جاپان را سرعت می‌بخشد، حساب می‌کرد.

ستالین در تهران بسیار مصمم بود. او خواستار وعده‌های کلی که از سال ۱۹۴۲ به وفور داده می‌شد، نبود، بلکه خواستار تعیین یک تاریخ مشخص برای شروع عملیات در شمال فرانسه بود. چرچیل با تأکید بر لزوم آمادگی طولانی برای عملیات عبور از کانال انگلیس و فرود آمدن سربازان در شمال فرانسه، از پاسخ مستقیم اجتناب کرد.

در صورت امتناع از تعیین تاریخ فرود، ستالین آماده خروج از کنفرانس بود که این هم به معنای فروپاشی کامل ائتلاف متفقین بود. وضعیت فاجعه‌باری که در کنفرانس پیش آمد، در خاطرات آندری گرومیکو، سفیر وقت اتحاد شوروی در امریکا آمده است:

"... ستالین چندین بار تلاش کرد تا از چرچیل پاسخ این پرسش را بگیرد که چه زمانی فرود متفقین در اروپا آغاز می‌شود، یعنی چه زمانی جبهه دوم باز می‌شود. اما او هرگز پاسخ نگرفت. ستالین یک روز که به سختی می‌توانست خوشبختنداری خود را کنترل کند، از روی صندلی بلند شد و به وراشیلوف و مولوتف گفت:

- "ما در خانه کارهای زیادی برای انجام دادن داریم، لازم نیست در اینجا وقت تلف کنیم". به طوری که می‌بینم، هیچ چیز باارزشی درست نمی‌شود...

چرچیل با سردرگمی از ترس این که کنفرانس ممکن است مختل شود، گفت:

- مارشال سخن مرا اشتباه متوجه شد. تاریخ دقیق را می‌توان تعیین کرد - "اردیبهشت چهل و چهار (۴۴)". فضا تا حدودی آرام شد.

ستالین بی‌پاسخ نگذاشت و هنگامی که رئیس جمهور روزولت مستقیماً درباره کمک اتحاد شوروی به امریکا در جنگ علیه جاپان سؤال کرد، اظهارات مهمی را بیان نمود. او گفت:

"ما، روس‌ها، از موفقیت‌هایی که سربازان انگلیس-امریکائی در اقیانوس آرام به دست آورده و می‌آورند، استقبال می‌کنیم. متأسفانه، ما هنوز نمی‌توانیم تلاش‌های خود را با تلاش‌های دوستان انگلیس-امریکائی‌مان پیوند دهیم. به سبب این که نیروهای ما در غرب درگیرند و توان کافی برای هیچ عملیاتی علیه جاپان نداریم. نیروهای ما در خاور دور، کم و بیش فقط برای دفاع کافی هستند، اما برای عملیات تهاجمی این نیروها باید حداقل سه برابر شوند. این فقط زمانی ممکن است که المان را مجبور به تسلیم کنیم. سپس، در یک جبهه مشترک علیه جاپان بجنگیم".

صرفنظر از این که وعده ستالین جنبه کلی داشت و حتی یک یادداشت تفاهم مشترک نیز در این زمینه در تهران امضاء نشد، امریکائی‌ها و انگلیس‌ها سخنان رهبر شوروی مبنی بر شش ماه پس از تسلیم المان احتمال حمله شوروی به جاپان را با اشتیاق پذیرفتند. اگرچه چنین تحولی هنوز دور از دسترس بود، اما برای ستالین مهم بود که چنین قولی را با در نظر گرفتن اقدامات تلافی‌جویانه کشورهای غربی به منظور تسریع در امر باز شدن جبهه دوم علیه المان بدهد.

روزولت نتوانست رضایت خود را از موضع ستالین پنهان کند و بلافاصله سعی کرد رهبر شوروی را وادار کند تا یکسری مسائل نظامی مربوط به اقدامات مشترک پیشنهادی علیه جاپان را حل کند. سخن از برنامه‌ریزی اولیه برای عملیات هوایی در شمال غربی اقیانوس آرام در میان بود. با وجود این، رئیس جمهور پیشنهاد کرد که چنین برنامه‌ریزی "سریعاً" آغاز شود. ۲۹ نومبر، روزولت به ستالین گفت: "ما معتقدیم که به منظور کوتاه کردن مدت جنگ، بمباران جاپان از پایگاه‌های منطقه پریمورسک شما، بلافاصله پس از شروع درگیری بین اتحاد شوروی و جاپان از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. زیرا این، به ما فرصت می‌دهد تا مراکز نظامی و صنعتی آن را نابود کنیم".

در کنفرانس تهران برای نخستین بار در مورد نتایج احتمالی شکست جاپان برای احیای حق حاکمیت اتحاد شوروی در خاور دور صحبت شد. علاوه بر این، این متحدان غربی بودند که ابتکار عمل را برای طرح موضوع به این شکل به دست گرفتند. چرچیل این ایده را که "ناوگان شوروی باید آزادانه در تمام آب‌ها و اقیانوس‌ها بحرنوردی کند"، مطرح کرد. روزولت در پاسخ به سؤال ستالین در مورد این که چه کاری می‌توان برای روسیه در خاور دور انجام داد، پیشنهاد کرد که برای مثال، **دیرن** می‌تواند به یک بندر آزاد تبدیل شود. ستالین با اشاره به این که اتحاد شوروی در واقع توسط جاپانی‌ها در خاور دور محبوس شده بود، پاسخ داد که "بندر آرتور به عنوان یک پایگاه نظامی-بحری مناسب‌تر است". چرچیل در جمع‌بندی بحث مقدماتی این موضوع، اظهار داشت: "کاملاً بدیهی است که روسیه باید به آب‌های گرم دسترسی داشته باشد". در عین حال، او با یادآوری این که روسیه در نتیجه عدم موفقیت در جنگ ۱۹۰۴-۱۹۰۵

جاپان و روسیه، بخشی از قلمرو خود را در خاور دور از دست داد، خاطرنشان کرد که "مدیریت جهان باید در دست ملت‌هایی متمرکز شود که کاملاً راضی هستند و هیچ اعتراضی ندارند".

از آنجائی که در طول مذاکرات، صحبت به نوع نگرش سنالین به بیانیه مشترک ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و چین در قاهره کشیده شد، از جمله تأکید شد که جاپان باید از تمام مناطق متصرفی و اشغالی محروم شود. رهبر اتحاد شوروی اظهار داشت: "البته روس‌ها می‌توانند چیزی به این بیانیه اضافه کنند، اما فقط پس از این که فعالانه در عملیات نظامی در خاور دور شرکت نمایند".

همانطور که معلوم است، شرایط سیاسی نهائی برای شرکت اتحاد شوروی در جنگ علیه جاپان، در کنفرانس سران کشورهای اتحاد شوروی، آمریکا و انگلستان در فیبروری ۱۹۴۵ در کریمه (یالتا) تدوین و تثبیت شد. آن‌ها برای بازگشت بدون قید و شرط ساخالین جنوبی و تمام جزایر کوریل به اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی که در زمان امپراتوری روسیه تصرف شده بودند، موافقت کشورهای متحد را در نظر داشتند.

برگرفته از: [وبسایت بنیاد فرهنگ سنراتیژیک](#)

۹ آذر-قوس ۱۴۰۲

* - صدر شورای علمی انجمن تاریخی-نظامی روسیه، دکتر علوم تاریخ، استاد مؤسسه کشورهای شرق